

## خطاب به نیروهای چپ، کارگری و کمونیست!

بهرام رحمانی

bamdadprees@swipnet.se

با درود به کارگران قهرمان بهشهر!

اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران، بی‌نهایت ملتهب و متحول است. نیروهای راست از تهران تا واشنگتن، به تکاپو افتاده‌اند؛ کنفرانس‌ها و سمینارها برگزار می‌کنند و ائتلاف‌های گوناگونی به وجود می‌آورند و منشورهای سیاسی منتشر می‌کنند تا بلکه سهمی از قدرت ببرند. بنا به سبک افغانستان و عراق، اپوزیسیون پرو آمریکایی می‌سازند و برای برگزاری «کنگره ملی» و معرفی شخصیت‌هایی از نوع «کرزای» و «چلبی»، زیر نظر وزارت امور خارجه و سازمان سیا، با هم مسابقه می‌دهند. نویسندگانی چون مسعود بهنود، به آن‌ها پیام شادباش می‌فرستد. حتا تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به فکر استعفا افتاده‌اند تا بلکه در تحولات آتی ایران، جایی برای خود دست و پا کنند.

عناصر گرایش راست در خارج کشور، به دنبال بند و بست با ماموران دست‌چندم وزارت خارجه آمریکا، به هر دری سر می‌کشند تا آن‌ها را برای حمله نظامی به ایران ترغیب و تشویق کنند. اما آمریکا و متحدانش، فعلا از اپوزیسیون راست، به عنوان اهرم فشار بر علیه جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند و از این طریق در تلاشند جمهوری اسلامی را با سیاست‌های خود در خاورمیانه هم‌گام سازند. اگر در این راه موفق نشوند، آن وقت احتمالا حمله نظامی موضعی و بمباران نقاطی از ایران مانند نیروگاه اتمی بوشهر و یا نقاط دیگری از این قبیل را برای هشدار به جمهوری اسلامی، مورد بررسی قرار می‌دهند. اپوزیسیون راست، از هم اکنون برای ژنرال‌ها آمریکایی هورا می‌کشد و پیام‌ها و دست‌گل‌های خود را برای «تقدیم»، به «سربازان رهایی‌بخش؟!»، آمریکایی آماده می‌کند.

اکنون بیش از هر زمان دیگری دخالت جدی در مسایل ایران، حائز اهمیت و سرنوشت‌ساز است، به همین دلیل گرایش‌های راست خارج کشور، از طیف سلطنت‌طلبان تا جمهوری خواهان که برای اولین بار جلسات خود را در هتل‌های لوکس آمریکا، برگزار می‌کنند، فقط چشم امید خود را به دست «جناح دوم خرداد» و جریان به اصطلاح «ملی-مذهبی»‌ها دوخته است و نه تنها کاری به مبارزه کارگران، مردم محروم و ستم‌دیده ندارند، بلکه رشد و گسترش این جنبش‌ها را برای آینده خود خطرناک نیز می‌بینند. اما نیروهای چپ، کارگری و کمونیستی که خود را بخشی از طبقه کارگر ایران و جهان می‌دانند، به یک جنبش طبقاتی قوی وصل هستند که در حال حاضر مبارزه بسیار سخت و دشواری را با رژیم وحشی و تا دندان مسلح سوداگر و ستم‌گر جمهوری اسلامی پیش می‌برند. بنابراین یکی

از وظایف مهم سیاسی و طبقاتی ما نیروهای چپ، کارگری و کمونیستی در خارج کشور، شرکت در مبارزت طبقه کارگر محیط زیست مان و جلب افکار عمومی طبقه کارگر کشورهای اروپایی به مبارزه هم طبقه‌ای‌های خود در ایران است.

رفقا، همان‌طور که مطلع هستید دور جدیدی از مبارزه کارگران چیت‌سازی بهشهر، از ۲۷ فرودین ماه سال جاری آغاز شده است و هم‌چنان در جریان است. این بخش از کارگران شیوه‌های مختلفی از مبارزه طبقاتی رادیکالی را پیش می‌برند که تاکنون در جنبش کارگری ایران، کم‌تر با چنین شیوه‌هایی روبه‌رو بودیم.

ما، به عنوان بخشی از یک جنبش نیرومند طبقه کارگر ایران هستیم که خواب و آرامش را از چشم سردمداران رژیم جمهوری اسلامی ربوده است. جنبش ما، از کارخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها تا ارتش بی‌کاران میلیونی و مردم محروم محلات کارگری و فقیرنشین، در جریان است و خود را برای تحولات سرنوشت‌ساز در جهت سرنوختی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت کارگری و شورایی آماده می‌کند. بر این اساس ما نباید فرصت‌های تاریخی را از دست بدهیم و باید هر چه سریع‌تر نیروهای خود را در خارج کشور، برای ارتباط با تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و سازمان‌ها و احزاب کارگری، چپ و کمونیست بسیج کنیم تا موقعیت مبارزه طبقاتی کارگران ایران و به ویژه اعتصاب ۲۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر را که عده‌ای از آن‌ها از روز شنبه ۱۷ ماه مه، دست به اعتصاب غذا زده‌اند، توضیح دهیم و از آن‌ها بخواهیم از طریق انعکاس اخبار مبارزات کارگران در رسانه‌های خود، نوشتن نامه‌های اعتراضی به سفارت‌خانه‌های جمهوری اسلامی ایران، در اعتراض به سیاست‌های ضدکارگری و ضدانسانی این رژیم، درخواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از سازمان بین‌المللی کار و نهایت برای بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، دخالت فعال داشته باشند. ما، باید اساساً کمپین گسترده‌ای را در حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران بهشهر سازمان بدهیم. قطعاً نباید به برگزاری آکسیون‌های موضعی بسنده کنیم، بلکه باید یک مجموعه از فعالیت‌های تبلیغاتی و افکارسازی و تماس با جریان‌ات کارگری و کمونیستی را در دستور کار خود قرار دهیم. اگر هم قرار باشد آکسیون‌ها را برگزار کنیم با حمایت و پشتیبانی و همکاری جریان‌ات کارگری و کمونیستی محیط زیست مان باشد.

آن‌چه که در زیر ملاحظه می‌کنید مروری بر مبارزه کارگران بهشهر است که در مطالب قبلی به آن‌ها پرداخته بودیم.

کارگران ایران، در سال‌های اخیر، برای گرفتن حقوق و مزایای خود و دیگر مطالبات‌شان به انواع و اقسام اعتراضات چون تحصن، بستن جاده و راهپیمایی دست زده‌اند، اما حرکت اخیر کارگران چیت شهر بهشهر در نوع خود بی‌نظیر و پرشکوه و متنوع است.

کارگران چیت بهشهر، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به مدت ۲۶ ماه و ۵ سال عیدی، از روز چهارشنبه ۲۷ فروردین ماه، دست به تحصن و تظاهرات زدند. کارگران نساجی کارخانجات دیگر در این شهر نیز در همبستگی با هم طبقه‌ای‌های خود به این تظاهرات پیوستند. همچنین این تظاهرات کارگران، با حمایت و پشتیبانی توده‌های مردم نیز روبه‌رو گردید. تظاهرات بیست و پنج هزار نفری کارگران، سردمداران رژیم را به وحشت انداخت. نماینده ولی فقیه در این شهر، وضع بهشهر را بحرانی خواند. رژیم، سراسیمه با چندین دستگاه اتویوس نیروی‌های انتظامی را از رشت به بهشهر آورد. مامورین با گاز اشک‌آور به تظاهرکنندگان حمله کردند و درگیری میان کارگران و نیروهای انتظامی آغاز شد. تظاهرکنندگان شعار می‌دادند: کارگران اتحاد اتحاد! توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد! رحمانی بی‌عرضه برگرد برو به حوزه! (نماینده بهشهر در مجلس شورای اسلامی) در این تظاهرات حدود ۲۰ نفر دستگیر گردیدند.

سایت «رویداد» وابسته به جناح دوم خرداد رژیم، به دنبال اعتراض کارگران بهشهر نوشت: یک منبع آگاه در شهرستان بهشهر در این باره به خبرنگار رویداد گفت: کارگران تجمع‌کننده در اعتراض‌های خود شعارهایی را علیه مقامات محلی، امام جمعه بهشهر و نماینده این شهر در مجلس سر داده‌اند. به گفته این منبع، سال گذشته نیز تجمعاتی در این شهر صورت گرفته بود که در یک مورد، برخورد کارگران با نیروهای امنیتی به کشته شدن یک تن منجر شد.

طی راهپیمایی کارگران، شهر یک پارچه به حالت تعطیل درآمد. حتا بازار شهر از ترس شورش‌های خیابانی تعطیل شد. کلیه مسئولین ارگان‌های رژیم، از نماینده این شهر در مجلس شورای اسلامی، فرماندار، فرماندهان نیروهای انتظامی و اطلاعاتی، امام جمعه تا مسئولین خانه کارگر رژیم و انجمن‌های اسلامی کار تشکیل جلسه دادند تا حالت بحرانی و مطالبات کارگران را مورد بررسی قرار دهند. پس از این واقعه کارگران به کارخانه برگشتند و به تجمع اعتراضی خود در محیط کارخانه ادامه دادند و به رژیم ۴۸ ساعت اولتیماتوم دادند که اگر به خواسته‌هایشان رسیدگی نکند و دو میلیارد تومان حقوق معوقه‌شان پرداخت نشود دوباره دست به راهپیمایی خواهند زد.

دریا بیگی دبیر خانه کارگر رژیم در استان مازندران، در گفت‌وگو با خبرنگاری ایلنا گفت، روز شنبه ۳۰ فروردین ماه، مقامات استان وارد مذاکره با نمایندگان کارگران شدند. به گفته کاشانی راد فرماندار بهشهر، همه دست اندرکاران استان در جلسه مذاکره با کارگران شرکت داشتند. اما کارگران، جواب مسئولین رژیم را قبول نکردند.

در ارتباط با اعتراض کارگران بهشهر، کاشانی‌زاده، در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت: امروز یک‌شنبه خبر دادند که کارگران درخواست‌های دولت را نپذیرفتند و خواستار وصول کل دو میلیارد تومان طلب خود تا فردا هستند و تهدید کرده‌اند که دوباره به خیابان‌ها می‌ریزند. ما هم با مقامات استان

مذاکره کرده‌ایم و قرار است در یک جلسه فوق‌العاده شرایط بررسی شود و تصمیم‌های لازم اتخاذ شود، حال چه خواهد شد، به ساعات و روزهای آینده بستگی دارد.

از سوی دیگر اسدی رییس کانون شوراهای اسلامی کار استان مازندران نیز روز اول اردیبهشت ماه، در گفت‌وگویی با خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، با بیان این نکته که مذاکرات کارگران و دولت نتیجه مثبتی نداشت، گفت: کارگران یک چیز می‌خواهند و مسئولین چیز دیگری می‌گویند، کارگران خواستار گرفتن کلیه مطالبات خود تا پایان سال ۸۱ هستند و می‌گویند که بعد از آن با کارخانه تسویه حساب می‌کنند... وی با اشاره به این که وقتی سوت کارخانه به صدا درمی‌آید، سوت اول به معنی جمع شدن کارگران، سوت دوم به معنی آمادگی آن‌ها برای حرکت به سمت شهر و سوت سوم حرکت به سمت شهر معنی می‌دهد، افزود: تا این لحظه سوت سوم زده نشده است، اما قطعاً آن‌ها حرکت خواهند کرد و چون از خیابان اصلی شهر هم حرکت خواهند کرد، بازار را تعطیل می‌کنند و مردم هم به جمعیت محدود آن‌ها افزوده می‌شود و جمعیت زیادی تشکیل می‌شود. وی گفت: پیش‌بینی ما این است که شبیه روز چهارشنبه که بالغ بر بیست و پنج هزار نفر در این تجمع شرکت کردند و شهر چهره ملت‌هی به خود گرفته بود، امروز نیز شهروندان دیگری به جمع کارگران بپیوندند.

سایت «رویداد»، در ادامه اعتراض کارگران بهشهر، شب دوشنبه اول اردیبهشت ماه نوشت: با پایان یافتن مهلت ۴۸ ساعته کارگران کارخانه «چیت‌ساز» به مسئولان محلی بهشهر، روز دوشنبه اول اردیبهشت، این شهر بار دیگر شاهد اعتراضات گسترده کارگران و فضایی ملت‌هت بود. به گزارش «رویداد» روز دوشنبه کارگران سازمان‌دهی اعتراض خود را به وسیله «سه سوت» کارخانه خود انجام دادند. با سوت اول کارگران جمع شدند. سوت دوم که به منزله آخرین اخطار به مسئولان بود، آمادگی آن‌ها را برای حرکت اعلام کرد و با سوت سوم، موج کارگران به سمت شهر راه افتاد و با تعطیل کردن بازار و افزوده شدن مردم به آن‌ها، بهشهر بار دیگر چهره‌ای ناآرام به خود گرفت.

این سایت افزود: گفتنی است، در اعتراض‌های روز دوشنبه بار دیگر شعارهای تندی علیه مسئولان محلی، نماینده بهشهر مجلس و امام جمعه این شهر مطرح شد.

کارگران بهشهر، روز سه‌شنبه گذشته نیز دست به تظاهرات زدند. اما به درگیری نیانجامید. اعتراض و تجمع کارگران در این شهر هم‌چنان ادامه دارد.

کارگران چیت‌سازی بهشهر، برای چندمین بار در هفته‌های اخیر، روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۲ (۱۰ مه ۲۰۰۳)، با تجمع در خیابان‌ها و ایجاد راه‌بندان در سطح شهر، به مطالبات خود پافشاری کردند. بنا به اظهار علی‌اکبر کاشانی‌زاده فرماندار شهرستان بهشهر، با اشاره به تجمع کارگران و ایجاد راه‌بندان در سطح شهر، گفت: پس از چند ساعت تجمع و صحبت با مسئولین و نمایندگان آن‌ها محل را ترک کرده و ابتدا به کارخانه و سپس به خانه‌هایشان رفتند و فعلاً اوضاع شهر آرام است.

فرماندار بهشهر، مشکلات جدید ایجاد شده را به دلیل برآورده نشدن خواسته‌های کارگران دانست و گفت: آن‌ها معتقدند مبلغ دویست میلیون تومانی که اکنون در حساب فرمانداری و آماده پرداخت است، آن قدر نیست که پاسخ نیازها و مطالبات آن‌ها را بدهد، و بر پرداخت همان ۵ میلیارد مصوب شده از طرف دولت تاکید دارند. وی افزود: واضح است که پرداخت این مبلغ زمان می‌برد و باید مسیر خودش را طی کند.

کاشانی‌زاده، با اشاره به جلسه‌ای که در مورد مبلغ دویست میلیون تومان نقد شده تصمیم‌گیری می‌کند، گفت: به احتمال زیاد از این مبلغ یک ماه از حقوق کارگران را خواهیم پرداخت. مقداری هم به بازنشستگان و کسانی که با خرید شده‌اند پرداخت خواهد شد که آن‌ها هم از کارخانه طلب دارند. کارگران چیت‌سازی بهشهر، ۲۵ ماه دستمزد و ۵ سال عیدی خود را نتوانسته‌اند از کارفرما و رژیم بگیرند.

کارگران، به اعتصاب خود در محوطه کارخانه ادامه می‌دهند و اجازه نمی‌دهند چه مقام دولتی و غیردولتی وارد کارخانه شود و همچنین کارگران نخست با صدور اطلاعیه‌ای تهدید کرده‌اند که اگر هر چه سریع‌تر به خواسته‌هایشان جواب داده نشود دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

علی‌اکبر کاشانی‌زاده فرماندار بهشهر در گفت‌وگویی با خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، با تایید این خبر که کارگران با انتشار اطلاعیه‌ای تهدید به اعتصاب غذا کرده‌اند، اقرار کرد: «دو نفر از کارگران گفته‌اند که اعتصاب غذا کرده‌اند و وصیت‌نامه‌ای هم نوشته‌اند. وی افزود: این عمل به صورت گروهی نبوده است، اما اطلاعیه‌ای صادر شده است که در آن کارگران از شنبه (۲۷ اردیبهشت ماه) تهدید به اعتصاب غذا کرده‌اند و چون چندین بار است که در طول این هفته چنین تهدیدی را مطرح کرده‌اند احتمال این که فردا دست به چنین عملی بزنند، وجود دارد».

فرماندار بهشهر، همچنین در این گفت‌وگو از جمله به عدم اعتماد کارگران به رژیم و مسئولین رژیم، اعتراف کرد و گفت: «متأسفانه مشکلات روحی و روانی زیادی برای مسئولان و خدمت‌گزاران مردم در این شهرستان ایجاد کرده‌اند، عده‌ای که خود مشکل دارند، به دنبال متشج کردن جو شهر هستند و نمی‌گذارند کارگران دیگری که می‌خواهند سالم کار کنند و به دولت اعتماد دارند، با آرامش به دنبال مطالبات خود باشند».

این کارگزار رژیم، با بی‌شرمی تمام می‌گوید که اعتراض و اعتصاب کارگران، فشار روحی و روانی به رژیم و مسئولین آن وارد کرده است. طبیعی‌ست که مبارزه کارگران، نه تنها مشکلات روحی و روانی، بلکه باید خواب را نیز از چشم سردمداران رژیم بریاید. کاشانی‌زاده، بر این امر آگاهانه چشم خود را می‌بندد که عدم پرداخت دستمزد کارگران، آنان و خانواده‌های‌شان را با چه مشکلات عظیم روحی و روانی و آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو می‌کند؟ آیا کسی شنیده است که یک روز حقوق کلان مقامات

عالی‌رتبه رژیم و نمایندگان مجلس، امام جمعه‌ها، فرماندهان ارگان‌های سرکوب، مدیران عالی‌رتبه و همه مفت‌خوران رژیم، حتا چند روز به تاخیر بیافتد؟ چرا کارفرماها و رژیم‌شان، چشم طمع خود را به سفره خالی و دستمزد ناچیز کارگران دوخته‌اند؟ چرا معلم و پرستار به عنوان بخش‌های دیگر طبقه کارگر، باید از کمبود دستمزد و فشارهای کمرشکن اقتصادی و سیاسی رنج ببرند؟! از سوی دیگر این مسئول مرتجع رژیم، در تلاش است که بین کارگران تفرقه بیاندازد تا اعتصاب و همبستگی کارگران را بشکند. اکثریت کارگران بهشهر، غیر از تعدادی کارمند خانه کارگر و شورای اسلامی، یک پارچه علیه رژیم هستند و بر گرفتن حق و حقوق و همه مطالبات‌شان به درستی پافشاری می‌کنند و به کارگزاران سرمایه و رژیم جانی‌شان نیز کم‌ترین اعتمادی ندارند.

فرماندار بهشهر، در ادامه سخنانش می‌گوید: «اراده‌ای وجود دارد و فضایی ایجاد شده است که می‌خواهد کارگران را به روش‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی بکشاند و این فضا ملتهب باقی بماند. تبلیغات منفی در جهت پایین آوردن روحیه اعتماد کارگران از طریق اعمال غیرعقلایی، از جمله روش‌هایی است که این عده در پیش گرفته‌اند و باعث شده است کارگران حرف هیچ‌کس حتا معتمدان شهر و خانواده شهدا را هم گوش نکنند».

مسائلی که آقای فرماندار به آن‌ها اشاره می‌کند، مسائلی است که کارگران، در طول ۲۴ سال مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، به تجربه به آن‌ها رسیده‌اند، به طور مثال کارگران در مبارزه دریافته‌اند که به هیچ‌کس به غیر از نیرو و اراده طبقاتی خودشان تکیه نکنند و گوش ندهند. کارگران به اراده جمعی خود باور دارند و نه به کارفرمایان و مسئولین رژیم. از سوی دیگر معلوم نیست که مبارزه و مطالبه کارگران، چه ربطی به خانواده شهدا دارد؟ مگر خانواده شهدا در استعمار کارگران و عدم پرداخت دستمزد آنان سهمی دارند؟ اظهارات این‌چنینی مسئولین رژیم، از جمله فرماندار بوشهر، به عنوان عنصر رژیم، چیزی جز تحریک حزب‌الله و چماقداران، بر علیه کارگران، معنی دیگری نمی‌تواند داشته باشد. مسلما کارگران، این سیاست‌های فرماندار را در شکستن اعتراض و اعتصاب‌شان خنثی خواهند کرد و هر گونه حمله حزب‌الله به تجمعات کارگران عواقب وخیمی بر رژیم خواهد داشت.

کارگران و اکثریت مردم محروم و ستم‌دیده، نه به دنبال تشنج، بلکه به دنبال برکناری کل رژیم جمهوری اسلامی هستند که آنان را از یک زندگی معمولی و درخور انسان محروم ساخته است و در معرض فقر و فلاکت و انواع و اقسام آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی قرار داده است. بنابراین فرماندار بهشهر و دیگر مسئولین رژیم، ترس‌شان از مقاومت و پافشاری کارگران بهشهر، مبنی بر دریافت کل دستمزد معوقه و دیگر مطالبات‌شان این است که این شیوه مبارزه الگوی بخش‌های دیگر کارگری قرار گیرد و تمام شهرهای ایران را در بر گیرد. در چنین شرایطی دودمان جمهوری اسلامی بر باد خواهد رفت.

همچنین کارگران، پیشنهاد رژیم، مبنی بر پرداخت مبلغ دویست میلیون تومان را رد کردند و بر پرداخت همه دستمزد معوقه خود پافشاری می کنند.

روزنامه اعتماد، روز یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه، از آغاز اعتصاب جمعی از کارگران چیت سازی به شهر خبر داد. این روزنامه به نقل از کارگران نوشت، از این که وعده و وعیدهای مکرر مسئولان اجرایی پس از انجام اعتصاب های پی در پی ماه گذشته تحقق نیافته است، آنان از روز پنجشنبه، بیست و پنجم اردیبهشت ماه جاری، دست به اعتصاب غذا زدند. در این روز تعداد کارگران اعتصابی ۹ نفر بود که روز جمعه تعداد آنان به ۲۰ نفر فزونی یافت. در صحبتی که با کارگران اعتصابی شد آنان گفتند که روز شنبه دست به اعتصاب غذای همگانی در محوطه کارخانه چیت سازی زدند. آنان یادآور شدند که تا رسیدن به خواسته های خود هم چنان در محوطه کارخانه اعتصاب خواهند کرد.

در چنین شرایطی ضروری است که نه تنها کارگران بخش های دیگر کارگری در تمام شهرها باید به حمایت و پشتیبانی از کارگران چیت سازی به شهر برخیزند، بلکه شیوه مبارزه کارگران این کارخانه را نیز الگوی مبارزه خود برای پایان دادن به دریافت دستمزدهای معوقه قرار دارند و مبارزه خود را به یک گام بالاتر با مطالبات رو به آینده از جمله برای اضافه دستمزد، حق تشکل، اعتصاب و بیان و دخالت در مسایل سیاسی روز مبنی بر آزادی سیاسی و اجتماعی، رفع تبعیض از زنان، لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال، آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان، بیمه بی کاری، حق مسکن، اولاد و غیره و همچنین همبستگی کارگران بی کار و شاغل ارتقا دهند.

بدین ترتیب اگر کارگران به شهر، رژیم را به عقب نشینی وادار سازند دستاور بزرگی برای طبقه کارگر ایران خواهد بود و راه برای یک میلیون کارگر، در پیگیری حقوق معوقه شان هموار خواهد شد. نهایت امر اعتراض کارگران به شهر نشان داد که اگر کارگران به طور متحد و مصمم به میدان بیایند هیچ نیرویی جرات مقابله با آنان را نخواهد داشت. باید به تحلیل همه جانبه این حرکت پرداخت. چنین تحلیلی برای پیشروی طبقه کارگر امری ضروری است. زیرا تحلیل و بررسی همه جانبه این حرکت که در نوع خود در حرکت های سال های اخیر بی نظیر بود، یکی از ضروریات جنبش کارگری، از جمله برای انتقال تجارب است و درس های بسیار آموزنده است.

اولا، کارگران با صدا درآوردن سوت کارخانه از نوع کلاسیک خبررسانی استفاده کردند. از آن جایی که اخبار مبارزات کارگران به شدت سانسور می شود، کارگران با صدا درآوردن سوت کارخانه مردم شهر را مطلع کردند که به اعتراض و راهپیمایی خود ادامه می دهند.

دوما، همبستگی با این حرکت کارگری بسیار با شکوه بود، بازار شهر تعطیل شد و جوانان و توده های مردم به صف تظاهرات پیوستند. در چنین ابعادی حمایت از اعتراض کارگری بی سابقه بوده است. سوم، این حرکت نشان دهنده رادیکالیسم کارگری است که در مقابل رژیم، به پا خواسته است.

چهارم، کارگران با تجمع خود در محیط کارخانه، به نوعی دست به تشکیل مجمع عمومی زدند و با دخالت مستقیم خود اجازه ندادند مسئولین خانه کارگر و شوراهای اسلامی در فعالیت آنان اخلاص کنند. گفته می‌شود که شهر بهشهر، هم‌چنان ملتهب است و تقریباً نوعی حالت فوق‌العاده نظامی در این شهر برقرار است. گزارش شده است، فرودگاه رشت، به عنوان پایگاهی برای اعزام سریع نیرو به بهشهر، در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته است. براساس اخبار منتشر شده نیروهای مسلح رژیم، از تهران به بهشهر اعزام شده‌اند و هم‌چنین سپاه پاسداران در چندین شهر دیگر استان گیلان، به حال آماده باش درآمده‌اند.

مسئله اگر مبارزه کارگران چیت بهشهر، با موفقیت خاتمه یابد، نقطه عطفی در مبارزات کارگران و الگویی برای بخش‌های دیگر کارگری خواهد بود که با استفاده از تجارب این کارگران بتوانند دستمزدهای معوقه خود را هر چه سریع‌تر از حلقوم کارفرمایان و رژیم بیرون بکشند تا مبارزه خود را به مرحله بالاتر و به حالت تعرضی ارتقا دهند.

نهایت امر نباید ما نیروهای چپ، کارگری و کمونیست، فرصت را از دست بدهیم. باید همه امکانات خود را برای حمایت و جلب پشتیبانی بین‌المللی از مبارزات کارگران و به ویژه کارگران بهشهر به کار گیریم. در این راستا انتظار بیش‌تری از واحدهای حزب کمونیست ایران وجود دارد که انتظاری غیرواقعی نیست، بنابراین باید واحدهای این حزب ما، در تمام کشورهایی که نیرو دارند، دست‌اندرکار سازمان‌دهی و راه اندازی کمپین دفاع از کارگران ایران و به ویژه کارگران اعتصابی بهشهر را هم گام و همراه با دیگر نیروهای چپ، کارگری و کمونیستی را در اولویت فعالیت‌های این دوره خود قرار دهند. معیار و ارزیابی ما از پیشرفت و موفقیت‌هایمان باید با پیشروی جنبش کارگری و کمونیستی سنجیده شود. هم‌چنین باید همواره فرقه‌گراها، رفرمیست‌ها و اپورتونیست‌ها را نیز مورد نقد قرار دهیم تا خاک در چشم طبقه کارگر نپاشند. اکنون مبارزه کارگری و کمونیستی بدون رجوع به مارکس، نمی‌تواند منافع طبقه کارگر را تامین کند، به همین دلیل ما کمونیست‌ها، همواره باید با کمک سلاحی که مارکس، برای ما فراهم کرده است، مبارزه خود را بر علیه کاپیتالیسم پیش ببریم.

مسئله سعادت و خوشبختی و آینده بهتر و انسانی‌تر جامعه ایران و حتا تاثیر آن در منطقه، بستگی به رهایی مبارزه طبقه کارگر از یوغ و ستم سیستم سرمایه‌داری و از این طریق رهایی کل جامعه ایران دارد. تنها با پیروزی طبقه کارگر است که به نابرابری اقتصادی و اجتماعی، بی‌عدالتی و بی‌حقوقی، ستم ملی و جنسی، سرکوب و خشونت، جنگ و کشتار، تهدید و ترور، شکنجه و اعدام، سانسور و اختناق خاتمه داده می‌شود و حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفاه همگانی و عدالت اجتماعی تضمین می‌گردد.